



درس هشتم

پیراهن بهشتی

نخست - نیازمندان - لطیفی - حضرت علی (ع) - خوش حال - رسول
خدا - جبرئیل - پیراهن - فقیرم - دعا - عروسی اش - سعادت مند - سبز
بهشتی - پارچه ی - لحظه

حضرت فاطمه (س) ساده ای داشت که حضر محمد (ص) به ایشان داده بودند. آن پیراهن نرم و داشت. در این صدای در به گوش رسید. کسی با صدای گفت: من زن هستم که لباسی بر تن ندارم. دل حضرت فاطمه (س) به درد آمد. نگاهش به پیراهن نو و بعد به پیراهن ساده ای که پوشیده بود افتاد. فکر کرد که کدام یک را بدهد. پیراهن نو برای بود. یاد کلام خدا در قرآن افتاد که می فرماید: هرگز نخواهید شد، مگر چیزی را که دوست دارید به ببخشید. وقتی که حضرت فاطمه (س) پیراهن نو را به زن داد چشم های زن فقیر برق زد. صورتش را به آسمان گرفت و کرد. وقتی خبر به حضرت محمد (ص) و رسید و آن ها از کار حضرت فاطمه (س) شدند. آمد و گفت: ای خدا، خداوند به تو سلام رساند و به من فرمان داد که به حضرت فاطمه (س) سلام برسانیم و این لباس را برای او بیاورم.

موفق باشید

بازخورد معلم:

